



# حقوق اساسی کشورهای اسلامی

حسین جوان آراسته  
محمد مهدی فر



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۳

جوان آراسته، حسین، ۱۳۴۳ -

Javan Arasteh, Hussein

حقوق اساسی کشورهای اسلامی / حسین جوان آراسته محمد مهدی فر. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۳.

سیزده، ۲۱۷ ص. جدول. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۲۰؛ فقه و حقوق اجتماعی: ۹۰)

ISBN: 978-600-298-513-2

بها: ۱۸۵۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه. ص. ۲۱۳-۲۱۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. حقوق اساسی -- کشورهای اسلامی، Constitutional law -- Islamic countries. ۲. دین و قانون -- کشورهای

اسلامی، Religion and law -- Islamic countries.

مهدی فر، محمد، ۱۳۷۰ -

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۳۴۲/۰۰۹۷۶۷۱

KMC۵۲۴

۹۶۳۹۲۲۷

شماره کتابشناسی ملی



## حقوق اساسی کشورهای اسلامی

مؤلفان: دکتر حسین جوان آراسته، محمد مهدی فر

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرا: اعظم یزدلی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۸۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۱۳-۲

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳-۳۱۵۱ ۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲، تلفن: ۰۲۵-۸۴۲۶۳۵ ۳-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی، ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان متن درس «حقوق اساسی کشورهای اسلامی» برای دانشجویان رشته حقوق عمومی در مقطع کارشناسی ارشد مطابق سرفصل‌های جدید تدوین شده است و قابل استفاده برای رشته‌های همسوی نیز می‌باشد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلفان محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر حسین جوان‌آراسته و حجت‌الاسلام محمد مهدی‌فر و نیز از ارزیاب محترم دکتر سید احمد حبیب‌نژاد سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	۱
فصل اول: مفاهیم و مبانی .....	۷
۱. مفاهیم .....	۷
۱-۱. حقوق اساسی .....	۷
۲-۱. حقوق اساسی تطبیقی .....	۸
۳-۱. نظام حقوقی اسلام .....	۸
۴-۱. کشور اسلامی (معیارهای تحقق) .....	۱۰
۱-۴-۱. رسمیت اسلام در قانون‌گذاری .....	۱۰
۲-۴-۱. رسمیت اسلام در همه شئون حکومتی .....	۱۰
۳-۴-۱. اکثریت شهروندان مسلمان .....	۱۰
۲. بنیان‌های تأثیرگذار بر حقوق اساسی .....	۱۱
۱-۲. مبنای حاکمیت .....	۱۱
۱-۱-۲. اراده شخصی .....	۱۱
۲-۱-۲. اراده ملی .....	۱۲
۳-۱-۲. اراده الهی .....	۱۳
۴-۱-۲. اراده الهی - ملی .....	۱۳
۲-۲. رابطه حاکمیت و حکومت (مدل حکومت) .....	۱۴

۱۷	..... ۳-۲. نسبت دین و دولت (هم‌گرایی یا واگرایی)
۱۷	..... ۱-۳-۲. هم‌گرایی
۲۲	..... ۲-۳-۲. واگرایی
۲۵	..... جمع‌بندی فصل اول
۲۷	..... فصل دوم: حقوق مدنی و سیاسی
۲۸	..... ۱. تضمین‌های کلی نسبت به حقوق و آزادی‌ها
۳۰	..... ۲. حقوق مدنی
۳۰	..... ۱-۲. حق بر حیات
۳۱	..... ۱-۱-۲. مجازات اعدام در اسناد بین‌المللی
۳۲	..... ۲-۱-۲. مجازات اعدام در رویکرد سازمان همکاری اسلامی
۳۳	..... ۳-۱-۲. مجازات اعدام در کشورهای اسلامی
۳۸	..... ۲-۲. امنیت
۳۸	..... ۱-۲-۲. امنیت حیثیتی
۳۹	..... ۲-۲-۲. امنیت حریم خصوصی (مسکن، مکاتبات و ارتباطات)
۴۱	..... ۳-۲. برابری
۴۵	..... ۳. حقوق سیاسی
۴۵	..... ۱-۳. حق تعیین سرنوشت
۴۵	..... ۱-۱-۳. عدم محدودیت در مشارکت سیاسی
۴۶	..... ۲-۱-۳. محدودیت در مشارکت سیاسی
۴۷	..... ۲-۳. حق نظارت
۴۸	..... ۳-۳. حق تابعیت
۴۸	..... ۱-۳-۳. سیستم تابعیت
۴۹	..... ۲-۳-۳. جواز یا عدم جواز سلب تابعیت
۴۹	..... ۳-۳-۳. تابعیت مضاعف

۴	آزادی‌های مدنی و سیاسی	۵۰
۴-۱	آزادی‌های مدنی	۵۰
۴-۱-۱	آزادی عقیده و بیان	۵۱
۴-۱-۲	آزادی شغل	۵۳
۴-۱-۳	آزادی انتخاب اقامتگاه و رفت‌وآمد	۵۳
۴-۲	آزادی‌های سیاسی	۵۴
۵۹	جمع‌بندی فصل دوم	
۶۱	فصل سوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی	
۶۲	یکم. حقوق اقتصادی	
۶۲	۱. حق مالکیت	
۶۲	۱-۱. مالکیت عمومی (دولتی)	
۶۳	۲-۱. مالکیت خصوصی	
۶۳	۳-۱. سلب مالکیت خصوصی	
۶۳	۱-۳-۱. به‌دلیل منافع عمومی	
۶۴	۲-۳-۱. به‌دلیل عدم مشروعیت	
۶۴	۲. حق اشتغال	
۶۴	۳. حق بر اعتصاب	
۶۶	۴. حق بر ارث	
۶۷	دوم. حقوق اجتماعی	
۶۷	۱. تحکیم خانواده	
۶۹	۲. حق تأمین نیازهای اساسی (مسکن، تغذیه، بهداشت و درمان)	
۷۰	۳. حق تأمین اجتماعی	
۷۱	سوم. حقوق فرهنگی	
۷۱	۱. آموزش و پرورش	

۷۲	۲. استفاده از فرهنگ و زبان محلی
۷۳	۳. مالکیت فکری
۷۵	چهارم. حقوق قضایی
۷۵	۱. امنیت قضایی
۷۵	۱-۱. اصل برائت
۷۵	۱-۲. اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۷۶	۱-۳. عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری
۷۷	۲. حق دادخواهی
۷۷	۳. علنی بودن محاکمات
۷۸	۴. حق داشتن وکیل
۷۸	۵. حقوق متهمان و محکومان
۸۰	جمع‌بندی فصل سوم
۸۳	<b>فصل چهارم: تفکیک قوا</b>
۸۳	یکم. سیر تحول و تعداد قوا
۸۳	۱. پیشینه تفکیک قوا
۸۴	۱-۱. جان لاک
۸۴	۱-۲. منتسکیو
۸۵	۲. تفکیک قوا و قوه تعدیل‌کننده
۸۶	۲-۱. قوه تعدیل‌کننده در جمهوری اسلامی ایران
۸۷	۲-۲. قوه تعدیل‌کننده در کشورهای پادشاهی
۸۹	۳. تفکیک قوا یا تمرکز قدرت در واقعیت
۸۹	دوم. الگوهای تفکیک قوا
۸۹	۱. در نظام‌های سیاسی
۹۱	۲. در کشورهای اسلامی



۹۱	۱-۲. نظام‌های پارلمانی
۹۳	۲-۲. نظام‌های ریاستی
۹۴	۳-۲. نظام‌های نیمه‌ریاستی
۹۷	جمع‌بندی فصل چهارم
۹۹	فصل پنجم: قوه مقننه در کشورهای اسلامی
۹۹	۱. ساختار قوه مقننه (یک‌مجلسی یا دو‌مجلسی)
۹۹	۱-۱. در کشورهای غیرمسلمان
۹۹	۱-۱-۱. نظام دو‌مجلسی در کشورهای فدرال
۱۰۱	۱-۱-۲. نظام دو‌مجلسی در کشورهای تک‌ساخت
۱۰۲	۱-۱-۳. دلایل طرف‌داران نظام دو‌مجلسی
۱۰۲	۱-۱-۳-۱. صیانت از منافع طبقات خاص
۱۰۳	۱-۱-۳-۲. جلوگیری از شتابزدگی در تصویب قوانین
۱۰۴	۲-۱. در کشورهای مسلمان
۱۰۴	۱-۲-۱. قوه مقننه یک‌مجلسی
۱۰۵	۲-۲-۱. قوه مقننه دو‌مجلسی
۱۰۷	۱-۳-۳. ترجیح قوه مقننه یک مجلسی در کشورهای بسیط
۱۰۹	۲. نمایندگان
۱۰۹	۱-۲. شرایط
۱۱۲	۳. مصونیت و مسئولیت پارلمانی
۱۱۷	۴. صلاحیت‌های قوه مقننه
۱۲۶	۵. نظارت شرعی بر قانون‌گذاری
۱۲۹	۶. انحلال مجلس قانون‌گذاری
۱۳۶	جمع‌بندی فصل پنجم

۱۳۹	فصل ششم: قوه مجریه در کشورهای اسلامی
۱۳۹	۱. کشورهای پادشاهی
۱۳۹	۱-۱. نحوه گزینش
۱۴۰	۲-۱. صلاحیت‌ها
۱۴۱	۲. کشورهای جمهوری
۱۴۱	۱-۲. آذربایجان
۱۴۳	۲-۲. آلبانی
۱۴۳	۱-۲-۲. رئیس‌جمهور
۱۴۴	۲-۲-۲. نخست‌وزیر
۱۴۴	۳-۲. الجزایر
۱۴۶	۴-۲. اندونزی
۱۴۶	۵-۲. ایران
۱۴۷	۲-۵-۱. رهبر (ولّی فقیه)
۱۴۸	۲-۵-۲. رئیس‌جمهور
۱۴۹	۶-۲. پاکستان
۱۴۹	۱-۶-۲. رئیس‌جمهور
۱۵۰	۱-۶-۲. نخست‌وزیر
۱۵۱	۷-۲. ترکیه
۱۵۲	۸-۲. تونس
۱۵۲	۱-۸-۲. رئیس‌جمهور
۱۵۴	۲-۸-۲. نخست‌وزیر
۱۵۵	۹-۲. سوریه
۱۵۷	۱۰-۲. عراق
۱۵۷	۱-۱۰-۲. رئیس‌جمهور

۱۵۹	..... ۲-۱۰-۲. نخست وزیر
۱۶۰	..... ۱۱-۲. قزاقستان
۱۶۳	..... ۱۲-۲. مصر
۱۶۳	..... ۱-۱۲-۲. رئیس جمهور
۱۶۶	..... ۲-۱۲-۲. نخست وزیر
۱۶۸	..... ۱۳-۲. لبنان
۱۶۸	..... ۱-۱۳-۲. رئیس جمهور
۱۶۹	..... ۲-۱۳-۲. نخست وزیر
۱۷۰	..... ۱۴-۲. نیجریه
۱۷۲	..... جمع بندی فصل ششم
۱۷۳	..... فصل هفتم: قوه قضائیه در کشورهای اسلامی
۱۷۴	..... ۱. آذربایجان
۱۷۴	..... ۱-۱. دیوان عالی کشور
۱۷۴	..... ۲-۱. دادگاه قانون اساسی
۱۷۵	..... ۳-۱. محاکم دیگر
۱۷۶	..... ۴-۱. قضات
۱۷۶	..... ۵-۱. وزارت دادگستری
۱۷۶	..... ۲. آلبانی
۱۷۷	..... ۱-۲. دیوان عالی کشور
۱۷۷	..... ۲-۲. دادگاه قانون اساسی
۱۷۸	..... ۳-۲. شورای عالی دادگستری
۱۷۹	..... ۴-۲. دادستان کل کشور
۱۷۹	..... ۳. الجزایر

۴. اندونزی ..... ۱۸۰
۵. ایران ..... ۱۸۱
- ۱-۵. رئیس قوه قضائیه ..... ۱۸۱
- ۲-۵. وزارت دادگستری ..... ۱۸۲
- ۳-۵. مراجع قضائی ..... ۱۸۲
- ۴-۵. سازمان‌های تابعه ..... ۱۸۳
- ۵-۵. اصول حاکم بر نظام قضائی ..... ۱۸۳
۶. پاکستان ..... ۱۸۴
- ۱-۶. دیوان عالی کشور ..... ۱۸۴
- ۲-۶. دادگاه شریعت فدرال ..... ۱۸۵
۷. ترکیه ..... ۱۸۶
- ۱-۷. دادگاه قانون اساسی ..... ۱۸۶
- ۲-۷. شورای دولتی ..... ۱۸۷
- ۳-۷. دیوان محاسبات ..... ۱۸۷
۸. تونس ..... ۱۸۸
۹. عراق ..... ۱۸۹
۱۰. قزاقستان ..... ۱۹۰
۱۱. مالزی ..... ۱۹۰
۱۲. مصر ..... ۱۹۱
- ۱-۱۲. دیوان عالی قانون اساسی ..... ۱۹۱
- ۲-۱۲. دادرسی اداری ..... ۱۹۱
- ۳-۱۲. شورای دولتی ..... ۱۹۲
- جمع‌بندی فصل هفتم ..... ۱۹۲

پیوست‌ها	۱۹۵
پیوست اول: آشنایی اجمالی با برخی کشورهای اسلامی	۱۹۵
۱. جمهوری آذربایجان	۱۹۵
۲. جمهوری آلبانی	۱۹۵
۳. جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر	۱۹۶
۴. جمهوری اندونزی	۱۹۶
۵. جمهوری اسلامی ایران	۱۹۷
۶. جمهوری اسلامی پاکستان	۱۹۷
۷. ترکیه	۱۹۸
۸. تونس	۱۹۸
۹. عراق	۱۹۸
۱۰. عربستان	۱۹۹
۱۱. قزاقستان	۱۹۹
۱۲. مالزی	۲۰۰
۱۳. مصر	۲۰۰
پیوست دوم: نمایی کلی از ساختار حاکمیت و حکومت در ۲۵ کشور اسلامی	۲۰۳
پیوست سوم: عناوین فصل‌ها یا بخش‌ها یا باب‌های قوانین اساسی کشورهای اسلامی	۲۰۹
منابع و مآخذ	۲۱۵



## پیشگفتار

یکم. مطالعه تطبیقی در حوزه حقوق، گاه در ارتباط با مکاتب حقوقی و گاه در سایه نظام‌های حقوقی صورت می‌گیرد. این‌گونه دسته‌بندی‌ها با هدف آسان‌سازی آگاهی‌های حقوقی از یک سو و زمینه‌سازی جهت درک بهتر نقاط قوت و ضعف نظام‌های حقوقی از سوی دیگر است. زمانی که مجموعه قواعد حقوقی از انسجام و به هم پیوستگی نسبی در مبانی، منابع، ساختار و اهداف برخوردار باشند، می‌توان نام «نظام حقوقی» بر آن نهاد. «نظام حقوقی تجسم عینی آرمان‌ها، اهداف و مبانی حقوق در یک جامعه در قالب قوانین و مقررات حقوقی است؛ درحالی‌که مکتب حقوقی، شالوده و زیربنای فکری و اعتقادی آن قوانین و مقررات شمرده می‌شود»<sup>۱</sup>.

«داوید» از پیشگامان دسته‌بندی نظام‌های حقوقی، معتقد است اگر محتوای قواعد انواع نظام‌های حقوقی را در نظر بگیریم، می‌بینیم تنوع آنها قابل ملاحظه است، ولی می‌توان با نادیده گرفتن اختلافات فرعی، نظام‌های مختلف حقوقی را به چند خانواده تقسیم کرد. طبقه‌بندی نظام‌های حقوقی به چند خانواده برای آن است که با تقلیل این نظام‌ها به چند نوع محدود، معرفی و درک نظام‌های مختلف حقوقی جهان معاصر آسان شود.<sup>۲</sup> معیارهای مختلفی برای دسته‌بندی نظام‌های حقوقی در نظر گرفته شده است که از جمله می‌توان به «مبانی حقوق»، «منابع حقوق»، «سوابق تاریخی» و «جایگاه مالکیت خصوصی» در هر نظام حقوقی اشاره کرد. برای نمونه، به رسمیت شناختن یا نشناختن مالکیت خصوصی سبب شده است که نظام‌های حقوقی دنیا، با همه اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که با هم دارند، در دو گروه نظام‌های کاپیتالیستی و سوسیالیستی جای گیرند. در صورتی‌که منابع حقوق، معیار دسته‌بندی قرارگیرد، نظام‌ها را می‌توان در سه گروه حقوق قرار داد: ۱. رومی - ژرمنی (با محوریت قانون)؛ ۲. کامن‌لا

۱. خسروشاهی، نظریه‌ها و نظام‌های حقوقی، ص ۱۱۹.

۲. داوید، نظام‌های حقوقی بزرگ معاصر، ص ۲۰.

(با محوریت عرف و رویه‌های قضایی)؛ ۳. حقوق اسلامی یا مذهبی (با محوریت شریعت). از این رو، حقوق انگلستان و فرانسه با آنکه به لحاظ مبانی، مشترکات زیادی دارند، اما به دلیل اختلاف جدی در منابع حقوق، در دو گروه و خانواده جداگانه جای گرفته‌اند. در حقوق رومی - ژرمنی - که فرانسه جزو این خانواده است - قانون، مقدم بر منابع دیگر است، ولی در نظام کامن‌لا، عرف و رویه قضایی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

رنه داوید نظام‌های حقوقی را در چهار خانواده دسته‌بندی کرده است: ۱. خانواده رومی - ژرمنی؛ ۲. خانواده کامن‌لا؛ ۳. خانواده حقوق سوسیالیستی؛ ۴. نظام‌های دیگر (حقوق اسلامی، حقوق هندو و حقوق یهودی، خاور دور...<sup>۱</sup>).

به نظر می‌رسد اگر معیارهای مختلف مبانی دسته‌بندی قرار گیرند، به طور طبیعی دایره طبقه‌بندی گسترده‌تر و شامل نظام‌های حقوقی زیر می‌شود: ۱. حقوق عرفی (کامن‌لا)؛ ۲. حقوق نوشته (رومی - ژرمنی)؛ ۳. حقوق اسلامی؛ ۴. حقوق سوسیالیستی؛ ۵. حقوق کشورهای خاور دور؛ ۶. نظام‌های حقوقی مختلط.

برخی نویسندگان، نظام‌های حقوقی را به دو گروه نظام‌های دینی (الهی) و نظام‌های سکولار (بشری) تقسیم کرده‌اند؛ نظام‌هایی که از متن دین سرچشمه گرفته و پایبند آموزه‌های حقوقی دین هستند، مانند نظام حقوقی اسلام، یهود و زرتشت و نظام‌هایی که صرفاً نام دین را یدک می‌کشند یا مبتنی بر ادیان خودساخته و غیر الهی‌اند، مانند نظام حقوق کلیسا، نظام حقوقی هند و نظام حقوقی چین. نظام‌های حقوقی غیر دینی (بشری) نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظام‌های ضددینی، مانند نظام‌های سوسیالیستی و نظام‌های غیردینی، مانند نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی.<sup>۲</sup>

در حال حاضر، بیش از ۵۰ کشور وجود دارد که نظام حقوقی یا اجزایی از نظام حقوقی آنها رنگ‌وبوی اسلامی دارد. هرچند حقوق هریک از این کشورها با دیگر کشورهای اسلامی،

۱. همان، ص ۲۰-۲۸.

۲. خاور دور به آسیای شرقی (از جمله شمال شرقی آسیا)، شرق دور روسیه (بخشی از آسیای شمالی) و آسیای جنوب شرقی اشاره دارد و شامل کشورهای چین، ژاپن، کره، هند، تایوان، مالزی، اندونزی، تایلند و... است. به این نکته مهم باید توجه داشت که اصطلاح «خاور دور» امروزه منسوخ شده و اصطلاح قابل قبول‌تر آن، آسیای شرقی است؛ زیرا بر این تصور قدیمی دلالت ندارد که اروپا مرکز جهان متمدن است.

۳. خسروشاهی، نظریه‌ها و نظام‌های حقوقی، ص ۱۲۱-۱۲۲.



می‌تواند تمایزات قابل‌توجهی داشته باشد. کتاب «حقوق اساسی کشورهای اسلامی» درصدد است تصویری از نقاط اشتراک و افتراق خانواده حقوق اسلام را در مهم‌ترین حوزه حقوقی، یعنی حقوق اساسی، ارائه دهد.

دوم. جهان اسلام، شامل منطقه جغرافیایی نسبتاً گسترده‌ای از کشور مغرب در آفریقای شمالی تا شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق آفریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچک مسلمان‌نشین جهان است. اسلام، پس از مسیحیت، دومین دین در جهان به‌لحاظ شمار پیروان و معتقدان است. حدود ۶۲ درصد مسلمانان جهان برابر یک میلیارد نفر در جنوب و جنوب‌شرق آسیا زندگی می‌کنند. اهل‌تسنن متشکل از چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی‌اند. حنفی‌ها بیشترین فراوانی جمعیت را در میان اهل‌سنت دارند و غالباً در قفقاز، آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند و بعضی کشورهای اروپایی به‌سر می‌برند سنی‌های افغانستان و پاکستان نیز بیشتر حنفی‌اند.

مالکی‌ها، که مرکز آنها شمال آفریقا است، امروزه در تمام آفریقای شمالی و غربی، به‌جز مصر، زندگی می‌کنند. این توزیع جغرافیایی موجب همگونی فقهی و وحدت فرهنگی مالکی‌ها، به‌ویژه در کشور مغرب، شده است.

گستره جغرافیایی شافعی‌ها در مصر، حجاز (در عربستان سعودی)، فلسطین، سوریه، و بخشی از جنوب‌شرقی آسیا شامل اندونزی، مالزی و تایلند است.

کمترین جمعیت مذهبی اهل‌سنت متعلق به حنبلی‌ها است که امروزه بیشتر در سوریه و عربستان سعودی ساکن‌اند.

شیعیان عمدتاً در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس سکونت دارند. جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین کشور شیعه اثناعشری در جهان اسلام است و کشورهای دیگری که دارای اکثریت جمعیت شیعه یا اقلیت قابل‌توجهی از شیعیان‌اند عمدتاً در اطراف ایران قرار دارند؛ عراق، آذربایجان و بحرین کشورهایی با اکثریت جمعیتی شیعه و کشورهای عربستان، هند، افغانستان، پاکستان، لبنان و عربستان دارای جمعیت قابل‌توجه شیعه هستند. شیعیان یمن، زیدیه و چهارامامی هستند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مناطقی از جهان اسلام از جمله آفریقا شاهد گسترش روزافزون جمعیت شیعیان بوده است. در نیجریه میلیون‌ها نفر به تشیع گرایش پیدا کرده‌اند.

#### ۴ حقوق اساسی کشورهای اسلامی

سوم. در بررسی حقوق اساسی کشورهای اسلامی، ملاحظات زیر صورت گرفته است:

۱. به دلیل محدودیت‌های موجود، از میان کشورهای اسلامی، ۲۵ کشور (تقریباً نیمی از آنها) که از اهمیت بیشتری (به دلایلی چون قدرت، وسعت، موقعیت، جمعیت و ثروت) برخوردار بوده‌اند گزینش شده و از آنجا که وضعیت سیاسی برخی کشورها نامعلوم بوده و احتمال زیاد در تغییر قانون اساسی آنها وجود دارد، از بررسی آنها صرف نظر شده است.<sup>۱</sup>

۱۰ کشور اسلامی به ترتیب وسعت (برگرفته از تارنمای سازمان همکاری اسلامی)

ترتیب	کشور	مساحت به کیلومتر	ملاحظه
۱	قزاقستان	۲/۷۱۷/۳۰۰	پهناورترین کشور در جهان اسلام
۲	الجزایر	۲/۳۸۱/۷۴۱	پهناورترین کشور عربی و آفریقایی
۳	عربستان سعودی	۲/۱۴۹/۶۹۰	پهناورترین کشور خاورمیانه
۴	اندونزی	۱/۹۱۹/۴۴۰	
۵	سودان	۱/۸۶۵/۸۱۳	
۶	ایران	۱/۶۴۸/۱۹۵	دومین کشور بزرگ خاورمیانه
۷	پاکستان	۸۸۱/۹۱۳	
۸	ترکیه	۷۸۰/۵۸۰	
۹	عراق	۴۳۷/۰۷۲	
۱۰	مالزی	۳۲۹/۷۵۰	

۲. در این بررسی، تمرکز بر قانون اساسی کشورها، به‌عنوان مهم‌ترین منبع حقوق اساسی، بوده است؛ هرچند به تناسب، نیم‌نگاهی به منابع دیگر نیز شده است.<sup>۲</sup>

۳. ترتیب بررسی قوانین اساسی کشورهای منتخب (که از سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا هستند) به‌صورت الفبایی است. این کشورها عبارت‌اند از: آذربایجان، آلبانی، اردن، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، بحرین، پاکستان، ترکیه، تونس، سوریه، سودان، عراق، عربستان، عمان، قزاقستان، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مالزی، مراکش، مصر، نیجریه.

۱. کشورهایمانند افغانستان، فلسطین و یمن.

۲. هرچند در قوانین اساسی کشورهای عربی به جای اصلف تعبیر «ماده» به کاررفته‌است، برای وحدت رویه در همه جا تعبیر به اصل شده است.

## پیشگفتار ۵

چهارم. کتاب مشتمل بر فصول زیر است: فصل اول اختصاص به مفاهیم (حقوق اساسی، حقوق تطبیقی، نظام حقوقی اسلام و کشور اسلامی) و مبانی (مبانی حاکمیت و نسبت دین و دولت) دارد. در فصل دوم، حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی و در فصل سوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بررسی تطبیقی شده است. فصل چهارم، تصویری از نظام تفکیک قوا در کشورهای اسلامی را ارائه کرده و در فصل‌های پنجم، ششم و هفتم به ترتیب مروری بر قوای مقننه، مجریه و قضائیه صورت گرفته است.

حسین جوان آراسته، محمد مهدی‌فر

بهمن ۱۴۰۲



## فصل اول

### مفاهیم و مبانی

#### ۱. مفاهیم

##### ۱-۱. حقوق اساسی

درک درست از تعریف و چیستی حقوق اساسی، وابسته به شناخت موضوع و هدف حقوق اساسی است. به نظر می‌رسد موضوع حقوق اساسی چیزی جز «اعمال سیاسی» نیست. براین اساس، هر عمل و اقدام سیاسی به لحاظ ارتباطی که با قواعد و مقررات پیدامی‌کند، موضوع حقوق اساسی است؛ خواه مربوط به ساختار دولت، شکل‌گیری حکومت، روابط میان نهادهای سیاسی و میزان صلاحیت زمامداران باشد و خواه مربوط به آزادی‌های بنیادین ملت. هدف اصلی در حقوق اساسی این است که حکومت بر پایه هنجارهای حقوقی شکل گیرد، قواعد حقوقی بر نحوه به جریان افتادن قدرت و توزیع آن حاکم باشد و حقوق و آزادی‌های افراد به رسمیت شناخته شده و تأمین گردد. به طور خلاصه، می‌توان اهداف و کارویژه‌های آن را در موارد زیر فهرست کرد:

\* کنترل و تنظیم قدرت حکومت؛

\* تأمین و تضمین حقوق ملت؛

\* برقراری نظم و امنیت.

با توجه به موضوع و اهداف حقوق اساسی، می‌توان حقوق اساسی را این‌گونه تعریف کرد: «قواعد حاکم بر هر نوع عمل سیاسی و حاکمیتی با هدف کنترل و تنظیم قدرت حکومت، تأمین و تضمین حقوق ملت و برقراری نظم و امنیت به طور عادلانه».

در این تعریف، مراد از قواعد، مفهوم موسعی است که قوانین، عرف و رویه را در بر می‌گیرد. همچنین این تعریف، شامل قواعد مرتبط با ساختار دولت، قواعد حاکم بر حکومت، قواعد حاکم بر نهادهای سیاسی و نیز چگونگی حکمرانی و تعامل با شهروندان است و ضابطه‌مند شدن قدرت سیاسی را کاملاً مورد توجه قرار داده است.

### ۲-۱. حقوق اساسی تطبیقی

حقوق اساسی یا حقوق اساسی عمومی (کلیات حقوق اساسی) است و یا حقوق اساسی اختصاصی. حقوق اساسی عمومی به بررسی مبانی و قواعد عمومی حاکم بر هر نوع عمل سیاسی و حاکمیتی می‌پردازد و مباحث آن به کشور خاصی اختصاص ندارد؛ در حالی که حقوق اساسی اختصاصی، درباره تشکیلات و ساختار و صلاحیت‌های دولت و نیز حقوق ملت در کشور خاصی بحث می‌کند. در کنار این دو عنوان، «حقوق اساسی تطبیقی»<sup>۱</sup> وجود دارد که به مطالعه و بررسی موضوعات حقوق اساسی چند کشور مربوط می‌شود و از رهگذر این مقایسه، ضمن آشنایی با فضای حاکم بر حقوق اساسی کشورها، نقاط قوت و ضعف نهادهای سیاسی، حقوق و آزادی‌های عمومی، ارزیابی می‌شود. این امر می‌تواند کمک شایانی به دانش حقوق اساسی کند و با بهره‌گیری از تجارب کشورهای دیگر، نقش بسزایی در ارتقای این شاخه بنیادین از دانش حقوق داشته باشد. در خصوص کشورهای اسلامی، بررسی تطبیقی حقوق اساسی، به ایجاد فرصت‌هایی در جهت هم‌گرایی بیشتر حقوقی کمک خواهد کرد.

### ۳-۱. نظام حقوقی اسلام

در آغاز کتاب اشاره شد زمانی که که قواعد حقوقی از انسجام و به هم پیوستگی نسبی در مبانی، منابع و اهداف برخوردار باشند، می‌توان نام «نظام حقوقی» بر آن نهاد. نظام حقوقی اسلام به لحاظ مبانی در سه حوزه از انسجام کافی برخوردار است. این سه حوزه عبارت‌اند از: ۱. مبانی معرفت‌شناختی (اعتقاد به اینکه راه‌های شناخت صرفاً حسی، علمی، تجربی یا عقلی نیست. «وحی» و معرفت «وحيانی» در کنار عقل و سایر راه‌های

شناخت باید مورد توجه قرار گیرد): ۲. مبانی جهان‌شناختی (جهان‌بینی مبتنی بر مبدأ و معاد، اعتقاد به خداوند به عنوان خالق هستی، اعتقاد به هدفمندی هستی و اعتقاد به مقدمه بودن دنیا برای آخرت); ۳. مبانی انسان‌شناختی (خلقت انسان از بدن مادی و روح غیرمادی و به بیان دیگر باور به ماهیت دوگانه طبیعی - فطری انسان با این تفاوت که طبیعت مربوط به بدن مادی او و فطرت مربوط به روح الهی اوست و همین روح الهی است که معرفت هویت اصلی انسان است و او را از دیگر حیوانات متمایز کرده است). این بنیادهای اعتقادی خواه در معرفت توأمان عقلانی و وحیانی، خواه در هدفمندی هستی و معادباوری و خواه در انسان‌شناسی اسلامی و عدم غفلت از بُعد معنوی انسان و نقاط قوت و ضعف وی، می‌توانند مطمئن‌ترین و منطقی‌ترین مبنا برای تبیین حقوق انسان‌ها در نظر گرفته شوند.

در نظام حقوقی اسلام، از قرآن، سنت و عقل به عنوان مهم‌ترین منابع یاد می‌شود و از طریق این منابع می‌توان به اراده تشریحی خداوند دست یافت و یا آن را کشف کرد. «قرآن» به منزله قانون اساسی اسلام و «سنت» (یعنی گفتار، رفتار و تقریر معصوم) به منزله قانون عادی است. اگر در موضوعی، حکمی در کتاب و سنت وجود نداشته باشد، اما بتوان حکم قطعی عقلی را به دست آورد، همین حکم عقل، بیانگر حکم شرع نیز خواهد بود. در منزلت والای عقل همین بس که «خداوند دو حجت برای مردم قرار داده است: حجت ظاهری که پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام‌اند و حجت باطنی که عقل انسان‌هاست»<sup>۱</sup>.

در نظام حقوقی اسلام، تحقق عدالت و تأمین سعادت فردی و اجتماعی در دنیا و آخرت به عنوان مهم‌ترین اهداف در نظر گرفته شده است. اسلام از بهره‌مندی انسان از مواهب طبیعی و تأمین حقوق و آزادی‌های وی نیز غافل نشده است، هرچند این دسته از حقوق و آزادی‌ها جزو اهداف میانی به‌شمار می‌روند.

بدین ترتیب نظام حقوقی اسلام با تکیه بر معرفت عقلانی و وحیانی، جهان‌بینی توحیدی و هماهنگی کامل با فطرت انسانی، شایسته‌الگوگیری در جهان امروز است. مروری بر حقوق اساسی کشورهای اسلامی، روشن خواهد ساخت که به چه میزان نظام حقوقی این کشورها با نظام حقوقی اسلام هم‌سو و منطبق می‌باشد.

---

۱. امام کاظم (علیه‌السلام): «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيْمَةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶).

#### ۴-۱. کشور اسلامی (معیارهای تحقق)

در اینکه چه کشوری را می‌توان در گروه کشورهای اسلامی جای داد، دیدگاه‌ها و معیارهای متفاوتی وجود دارد:

##### ۱-۴-۱. رسمیت اسلام در قانون‌گذاری

یکی از معیارهایی که می‌توان برای نامیدن یک کشور به‌عنوان کشور اسلامی در نظر گرفت، به رسمیت شناختن اسلام در حوزه قانون‌گذاری در قانون اساسی آن کشور است. در حال حاضر، نزدیک به ۳۰ کشور جهان چنین وضعیتی دارند. براین اساس، کشورهایی که اکثریت شهروندانشان مسلمان باشند، ولی اسلام دین رسمی نباشد، کشور اسلامی تلقی نخواهند شد و متقابلاً کشوری با اقلیت ۴۰ درصد مسلمان در صورتی که دین رسمی آن اسلام باشد، کشور مسلمان به‌شمار می‌آید.

##### ۲-۴-۱. رسمیت اسلام در همه شئون حکومتی

مطابق این معیار، کشوری را می‌توان به‌عنوان کشور اسلامی قلمداد کرد که متعهد به رسمیت اسلام در همه حوزه‌های تقنینی، اجرایی و قضایی باشد. بدین ترتیب، صرف اینکه قانون‌گذاری براساس موازین اسلامی باشد، کفایت نمی‌کند، بلکه اعتقاد و التزام به اسلام در تمامی قوای سه‌گانه باید وجود داشته باشد و مقامات نیز لازم است واجد شرایطی از جمله اسلام باشند.

##### ۳-۴-۱. اکثریت شهروندان مسلمان

مطابق این معیار، میزان جمعیت مسلمانان در هر کشور، یکی از معیارهای تعیین کشور اسلامی دانسته شده و مرز جمعیتی حداقل ۵۰ درصد، شاخصی برای شناسایی آن به‌عنوان کشور اسلامی است. سازمان همکاری اسلامی، میزان جمعیت مسلمان در هر کشور را معیار قرارداده است و به‌موجب بند ۲ ماده ۳ منشور سازمان همکاری اسلامی<sup>۱</sup> هر دولت عضو سازمان ملل که دارای اکثریت مسلمان باشد، می‌تواند به عضویت این سازمان درآید.<sup>۲</sup> بنابراین، کشوری مانند

۱. میثاق منظمه التعاون الاسلامی مصوب ۱۴۲۹ قمری.

۲. در حال حاضر ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی هستند.



هندوستان که جمعیت مسلمان آن در حال حاضر بیش از ۲۰۰ میلیون نفر است و پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که در سه دهه آینده، بیشترین جمعیت مسلمان را در مقایسه با هر کشور مسلمان دیگر خواهد داشت؛ کشور مسلمان قلمداد نمی‌شود؛ زیرا مسلمانان در مقایسه با جمعیت هندوها در اقلیت‌اند.

## ۲. بنیان‌های تأثیرگذار بر حقوق اساسی

### ۲-۱. مبانی حاکمیت<sup>۱</sup>

حاکمیت و حکومت، در کنار جمعیت و سرزمین، دو رکن مهم از ارکان چهارگانه دولت - کشوراند. حاکمیت در اصطلاح، قدرت برتری است که در یک قلمرو جغرافیایی بر مردم اعمال می‌شود و همه صلاحیت نهادها و مقامات، ناشی از اوست. در ارتباط با حاکمیت، اصلی‌ترین پرسش مربوط به منشأ مشروعیت حاکمیت و قدرت است. در پاسخ به این پرسش که دولت به چه دلیل حاکمیت دارد و قدرت وی از کجا ناشی شده است، سه دیدگاه وجوددارد: ۱. «اراده الهی»؛ ۲. «اراده ملی»؛ ۳. «اراده الهی - ملی». به این نکته نیز باید توجه داشت که واقعیت موجود در بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای سلطنتی، با هیچ‌یک از سه دیدگاه پیش‌گفته، هم‌سویی ندارد و شاید بتوان از منشأ حاکمیت در آنها به‌عنوان «اراده شخصی» تعبیر کرد. اهمیت بیان نوع حاکمیت به رسمیت شناخته شده، سبب شده است که در همه قوانین اساسی کشورها، از جمله کشورهای اسلامی، این امر جزو اصول پایه و در ابتدای قوانین اساسی ذکر شود.

### ۲-۱-۱. اراده شخصی

در برخی کشورهای اسلامی، که به‌صورت سلطنتی اداره می‌شوند، حاکمیت جنبه شخصی پیدا کرده است. این امر را می‌توان نتیجه موروثی بودن این حکومت‌ها دانست. به همین دلیل در اصل ۱ قانون اساسی پادشاهی اردن، هرچند به حاکمیت غیرقابل تجزیه کشور اشاره شده است، اما از منشأ حاکمیت هیچ سخنی به میان نیامده و در اصل ۲۸ تصریح شده است که «تاج و تخت پادشاهی اردن هاشمی، در خانواده ملک عبدالله بن الحسین موروثی است و وراثت تاج و تخت در میان مردان از فرزندان ذکور است...». نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از اصل ۱ قانون اساسی

---

1. Sovereignty

امارات متحده عربی و اصول ۵ و ۱۲ قانون اساسی عمان: «نظام حکومتی، سلطنتی موروثی در فرزندان ذکور از نسل سلطان ترکی بن سعید بن سلطان ... است...» (اصل ۵) و «حاکمیت کشور براساس عدالت، شورا و برابری استوار است و شهروندان براساس این قانون اساسی و شرایط و ضوابط تبیین شده در قانون، حق مشارکت در امور عمومی را دارا هستند.» (اصل ۱۲).

## ۲-۱-۲. اراده ملی

در حقوق اساسی کشورهای مردم‌سالار، منشأ مشروعیت حاکمیت، ملت است. طیف گسترده‌ای از قوانین اساسی کشورهای اسلامی با تعابیر مختلف بر این امر تأکید ورزیده‌اند. مطابق بند ۱ اصل اول قانون اساسی آذربایجان، قدرت حکومت ناشی از مردم است و «مردم حق حاکمیت خود را از طریق آرای عمومی و به‌وسیله نمایندگی که براساس حق رأی فراگیر و مساوی و با آرای آزاد مخفی انتخاب می‌گردند، اعمال می‌کنند» (اصل دوم). مشابه همین بیان در اصل ۱ قانون اساسی آلبانی، اصل ۷ و ۱۳ قانون اساسی الجزایر، اصل ۱ قانون اساسی اندونزی، اصل ۶ قانون اساسی ترکیه، فصل دوم و سوم قانون اساسی تونس، اصل ۱ و ۲ قانون اساسی سوریه، اصل ۵ قانون اساسی سودان، اصل ۱ و ۵ قانون اساسی عراق، اصل ۳ قانون اساسی قزاقستان، بند ج از مقدمه قانون اساسی لبنان، اصل ۱ قانون اساسی لیبی، فصل ۲ قانون اساسی مراکش و اصل ۱ قانون اساسی مصر وجود دارد.

نکته قابل‌تأمل این است که برخی کشورهای اسلام به‌رغم تأکید بر موروثی بودن سلطنت در قانون اساسی خود، به حاکمیت ملی و دموکراتیک بودن حکومت نیز تصریح کرده‌اند. برای نمونه، در بند ب اصل ۱ قانون اساسی بحرین تصریح شده است که «حکومت پادشاهی بحرین یک سلطنت مشروطه و موروثی است». باین‌وصف، در بند دهم اصل آمده است که «سیستم حکومتی در بحرین دموکراتیک و حاکمیت از آن مردم است و اعمال حاکمیت به شیوه مندرج در این قانون اساسی است». مشابه این تناقض‌گویی را می‌توان در اصول ۱، ۸ و ۵۸ قانون اساسی قطر<sup>۱</sup> و اصول ۴ و ۶ قانون اساسی کویت مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

۱. المادة ۵: السادة للقانون، والشعب مصدر السلطات وشرعيتها، يمارسها بالاقتراع السري العام المباشر وعبر مؤسساته الدستورية.

۲. اصل ۸: حکم دولت در خانواده آل‌ثانی... وراثتی است. اصل ۵۸: ملت اساس قوای حکومتی هستند و آن را براساس این قانون اساسی اعمال می‌کنند.

۳. اصل ۴: کویت یک امیر نشین موروثی در دودمان مرحوم مبارک الصباح است. اصل ۶: نظام حکومت در کویت دموکراسی است. حاکمیت در آن را ملت به عهده دارد که منبع و سرچشمه جمیع اختیارات و قوامی باشد.

## ۲-۱-۳. اراده الهی

ایده حاکمیت الهی، در خاستگاه اولیه خود، بر این منطق استوار بود که فرمانروایی امانتی الهی است و باید به نفع مردم توسط زمامداران امین، با هدف تحقق عدالت به کار گرفته شود. متأسفانه این ایده در عمل به تدریج وسیله‌ای برای توجیه قدرت مطلق و بی‌چون و چرای پادشاهان شد و مورد سوءاستفاده قرار گرفت؛ بسیاری از حکومت‌های سلطنتی استبدادی چنین وانمود کردند که چون فرمانروایان از سوی خداوند منصوب شده‌اند، از قدرت و اختیار نامحدودی برخوردار و تنها در برابر خدا مسئول می‌باشند. این نوع نگاه به حاکمیت الهی، به‌ویژه در غرب با حاکمیت استبدادی کلیسا، فجایع فراوانی را به دنبال آورد و یکی از علل پیدایش و تولد سکولاریسم بود.

همین ایده را، با قرائتی خاص از حاکمیت الهی، می‌توان در کشوری چون عربستان سعودی سراغ گرفت. مطابق اصل ۱ قانون اساسی عربستان، «پادشاهی عربستان سعودی، یک دولت اسلامی عربی با حاکمیت کامل است. دین آن اسلام، قانون اساسی آن، کتاب خداوند متعال و سنت پیامبرش، زبان آن، عربی و پایتخت آن شهر ریاض است». براساس اصل ۷ قانون اساسی عربستان، «قدرت حکومت در عربستان نشئت گرفته از قرآن کریم و سنت پیامبر است و این دو بر نظام و تمامی سازمان‌های دولتی حاکم می‌باشند». از این رو، «شهروندان باید مطابق با قرآن کریم و سنت پیامبر در راستای اطاعت و فرمانبرداری در هنگام آسایش و سختی، خوشی و ناخوشی، دست بیعت و وفاداری به پادشاه بدهند» (اصل ۶). بدیهی است در این برداشت از منشأ مشروعیت حاکمیت، هیچ نقشی برای مردم در نظر گرفته نمی‌شود و به همین دلیل در عربستان انتخابات معنا و مفهومی ندارد.

## ۲-۱-۴. اراده الهی - ملی

از میان کشورهای اسلامی تنها دو کشور پاکستان و ایران، حاکمیت الهی - ملی را به رسمیت شناخته‌اند. مطابق اصل ۲- الف (اصل الحاقی) قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان - که براساس سند موسوم به «قطعنامه اهداف»<sup>۱</sup> است و جزئی از قانون اساسی به‌شمار می‌رود - بیان می‌کند: «نظر به اینکه حاکمیت کل هستی تنها از آن پروردگار متعال بوده و قدرتی که به‌واسطه

---

1. The Objectives Resolution.

ملت به مملکت پاکستان اعطا نموده تا در حدود تعیین شده از سوی او اعمال شود، امانتی مقدس است؛ مجلس مؤسسان، به نمایندگی از سوی ملت پاکستان قانون اساسی را برای مملکت مستقل و مقتدر پاکستان تدوین می نماید تا دولت، قدرت و اختیارات خویش را به واسطه نمایندگان منتخب مردم اعمال کند تا اصول دموکراسی، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی بدان گونه که در اسلام بیان گردیده کاملاً رعایت شود تا مسلمانان بتوانند زندگی خویش را از لحاظ فردی و جمعی طبق تعالیم اسلامی بدان گونه که در قرآن کریم و سنت بیان گردیده انتظام بخشند...».

اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعلام می دارد که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است...». براین اساس، حاکمیت اولاً و بالذات از آن خداوند است؛ اوست که منشأ مشروعیت هر حاکمیتی است و در عرصه تکوین، انتخاب هر حکومتی را در اختیار انسان قرار داده است. بدین ترتیب، می توان گفت که حاکمیت به رسمیت شناخته شده در جمهوری اسلامی ایران، حاکمیتی الهی - ملی است. اصول دیگری نیز مانند اصول دوم، چهارم و پنجم بر حاکمیت الهی و دینی تأکید دارند، همان گونه که اصول اول، ششم<sup>۱</sup> و هفتم، ترجمانی از حاکمیت ملی اند. جمهوری اسلامی بیانگر ایده مردم سالاری دینی است و در چنین نظامی مردم هم در انتخاب نوع نظام سیاسی یعنی شکل گیری اولیه آن و هم در استقرار و استمرار نهادها نقش آفرین اند. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران، با به رسمیت شناختن توأمان حاکمیت دینی و ملی، سیمای نوینی از حقوق اساسی را به تصویر کشیده است.

## ۲-۲. رابطه حاکمیت و حکومت<sup>۲</sup> (مدل حکومت)

دولت، در شکل مدرن آن، یک شخص حقوقی است و برای اعمال «حاکمیت» (با هر یک از مبانی چهارگانه پیشین)، نیازمند ارگانها و نهادهایی است. این نهادها در قالب حکومت شکل می گیرند و هیئت حاکمه سیاست گذاری، قانون گذاری، اجرا و قضاوت را بر عهده دارد. هر

۱. اصل ششم: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد».

حکومتی با قوای سه‌گانه‌اش، تجلی حاکمیت و به بیان دیگر، ابزار اعمال حاکمیت است؛ قدرت از طریق حکومت به جریان می‌افتد؛ حاکمیت به منزله روح است و حکومت به منزله بدن. نکته بسیار مهم در رابطه میان «حاکمیت» و «حکومت»، لزوم سنخیت میان این دو رکن دولت - کشور است؛ هر حاکمیت و قدرت سیاسی، حکومت خاص و متناسب با خود را طلب می‌کند؛ حکومتی که بتواند آرمان‌ها و اهداف حاکمیت را تحقق بخشد. اگر حاکمیت، حاکمیتی صرفاً ملی باشد، حکومت برآمده از چنین حاکمیتی متفاوت از حکومتی خواهد بود که حاکمیت آن، شخصی یا الهی یا الهی - ملی است. راز اصلی اختلاف در شکل حکومت‌ها و بسیاری از تفاوت‌ها در حوزه حقوق اساسی، اختلاف در نوع حاکمیت به رسمیت شناخته شده است؛ این امر کلید حل بسیاری از ابهام‌ها و یا پرسش‌ها در ارتباط با ساختار حکومت‌ها و یا مأموریت آنهاست و با عنایت به آن می‌توان تحلیل درستی از ساختار حکومت‌ها را ارائه داد. برای نمونه، اگر در سیستم حکومتی جمهوری اسلامی ایران، نهادی به نام ولایت فقیه وجود دارد، ریشه آن را باید در نوع حاکمیت پذیرفته‌شده در این نظام جست‌وجو کرد.

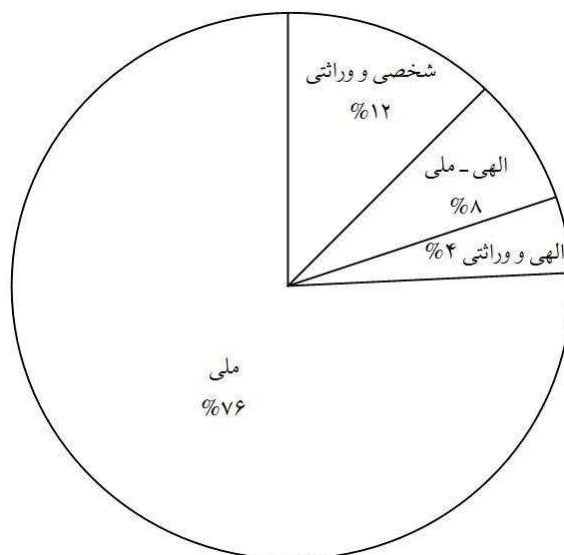
#### نوع حاکمیت به رسمیت شناخته‌شده در کشورهای اسلامی

در این جدول، نوع حاکمیت چهار کشور بحرین، قطر، کویت و مراکش، با آنکه پادشاهی و موروثی هستند - به دلیل آنکه در قانون اساسی آنها، حاکمیت از آن ملت دانسته شده است - ملی ذکر شده است.

ردیف	کشور	نوع حاکمیت	شکل حکومت
۱	آذربایجان	ملی	جمهوری
۲	آلبانی	ملی	جمهوری
۳	اردن هاشمی	شخصی و وراثتی	پادشاهی
۴	الجزائر	ملی	جمهوری
۵	امارات متحده عربی	شخصی و وراثتی	پادشاهی
۶	اندونزی	ملی	جمهوری
۷	ایران	الهی - ملی	جمهوری اسلامی
۸	بحرین	ملی	پادشاهی
۹	پاکستان	الهی - ملی	جمهوری اسلامی
۱۰	ترکیه	ملی	جمهوری

۱۶ حقوق اساسی کشورهای اسلامی

ردیف	کشور	نوع حاکمیت	شکل حکومت
۱۱	تونس	ملی	جمهوری
۱۲	سوریه	ملی	جمهوری
۱۳	سودان	ملی	جمهوری
۱۴	عراق	ملی	جمهوری
۱۵	عربستان سعودی	الهی و وراثتی	پادشاهی
۱۶	عمان	شخصی و وراثتی	پادشاهی
۱۷	قزاقستان	ملی	جمهوری
۱۸	قطر	ملی	پادشاهی
۱۹	کویت	ملی	پادشاهی
۲۰	لبنان	ملی	جمهوری
۲۱	لیبی	ملی	جمهوری
۲۲	مالزی	ملی	پادشاهی
۲۳	مراکش	ملی	پادشاهی
۲۴	مصر	ملی	جمهوری
۲۵	نیجریه	ملی	جمهوری



نمودار شماره ۱: درصدبندی نوع حاکمیت